

تأثیر بسترهای اجتماعی-فرهنگی بر توسعه‌نیافتگی جامعه هدف کمیته امداد در شرق استان هرمزگان^۱

احسان احمدی سرخونی^۲، محمدعلی چیت‌ساز^۳، نبی‌الله ایدر^۴

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۲۷

چکیده

هدف: پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر بسترهای اجتماعی-فرهنگی بر توسعه‌نیافتگی جامعه هدف کمیته امداد در شرق استان هرمزگان انجام گردید.

روش: روش پژوهش حاضر از نوع کمی و به‌صورت پیمایشی انجام شد. جامعه آماری کلیه مددجویان و افرادی بودند که از کمیته امداد خدمات حمایتی در شهرستان‌های میناب و رودان و جاسک و سیریک و بشاگرد دریافت می‌کردند. مجموعاً تعداد کل افراد شاغل در کمیته امداد شرق استان هرمزگان ۱۹۱ نفر بودند که بر اساس جدول استاندارد مرگان تعداد ۱۲۳ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بود. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS-V23 تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد؛ سنت‌گرایی بر توسعه‌نیافتگی تأثیر مثبت دارد. نبود فرهنگ ریسک‌پذیری بر توسعه‌نیافتگی تأثیر مثبت دارد. نهادینگی فرهنگ وابستگی بر توسعه‌نیافتگی تأثیر مثبت دارد. تقدیرگرایی مزمن بر توسعه‌نیافتگی تأثیر مثبت دارد.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود کمیته امداد زمینه حضور تشکلهای غیردولتی توانمندسازی نظیر سمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی در محیط مورد مطالعه را فراهم سازد.

واژگان کلیدی: توسعه‌نیافتگی، توسعه‌نیافتگی، ارزش‌های توسعه‌ای، موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان " بررسی موانع فرهنگی - اجتماعی توسعه نیافتگی با تاکید بر جامعه هدف کمیته امداد (مطالعه موردی شرق استان هرمزگان)" احسان احمدی سرخونی است که راهنمایی دکتر محمدعلی چیت‌ساز در دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان مراحل نهایی دفاع خود را طی می‌کند.

^۲ دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

^۳ دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (نویسنده مسئول). Mad3175@yahoo.com

^۴ استادیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

مقدمه

توسعه یک مفهوم مادی و ذهنی و یک جریان و یا فرآیند روبه‌جلو و در جهت پیشرفت جوامع است که برخوردار از ابعاد متنوع اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، سیاسی و تکنولوژیکی است. توسعه‌نیافتگی امری تاریخی و تاریخ زاد است. به عبارت دیگر توسعه‌نیافتگی در بستر و روندی تاریخی صورت گرفته است (Anderson, 2010). منطقه یا کشور توسعه‌نیافته کشوری است که هیچ علامت توسعه‌نیافتگی در آن به چشم نمی‌خورد، درحالی‌که یک کشور کمتر توسعه‌یافته عبارت است از اینکه ظرفیت بالقوه برای توسعه وجود دارد، ولی یا از آن استفاده‌نشده و یا اینکه به‌صورت ناقص از آن استفاده‌شده است. در مناطق مختلف کشورها نیز توسعه‌نیافتگی به انواع مختلف وجود دارد اما توسعه‌نیافتگی در کشورها یا مناطق درحال توسعه تفاوت عمده‌ای با کشورهای توسعه‌یافته دارد (Behuria, 2019). در این کشورها، ارزش‌ها، هنجارها و عوامل فرهنگی اجتماعی مانع توسعه است؛ بسیاری از رسوم، سنن و آداب قدیمی همچنان مانع پذیرش نوآوری یا فناوری هستند و به علت نفوذ طایفه، قبیله یا بزرگان فامیل برخی از مظاهر مدرنیته موردقبول واقع نمی‌شود. در بسیاری از موارد نیز نوآوری و فناوری وارد شده به این مناطق چندان با ویژگی‌های و فرهنگ آن‌ها سازگار نیست بنابراین نوعی تضاد بین فرهنگ و فناوری پیش می‌آید. اما در برخی از مناطق مداخلات توسعه‌ای صورت گرفته ولی بازهم چرخه‌ای از توسعه‌نیافتگی همچنان دیده می‌شود؛ محققان معتقدند در این موارد به علت حضور بیش از حد دولت یا کارگزاران خارجی و وابستگی مردم به آن‌ها از یک‌سو، نداشتن مهارت‌های لازم، نبود مراکز آموزش کارآفرینی و نیز نبود فرهنگ پذیرش تغییر و نوآوری جمله توسعه‌نیافتگی این مناطق است (Chisadza and Bettencourt, 2019).

دقت در موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه حاکی از آن است که در جوامع یا مناطقی که سطح سرمایه اجتماعی، انسجام و مشارکت اجتماعی کم است مردم محلی چندان در فرایندهای توسعه‌ای شرکت نمی‌کنند و حتی به‌رغم حمایت نهادهای دولتی یا توانمندشدنشان، جامعه محلی چندان توسعه نمی‌یابد چراکه ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی مانع توسعه می‌شوند؛ بدین معنی که در این جوامع طایفه‌گرایی، تعصب قومی، یا رفتارهایی نظیر پنهان‌کاری، بدبینی موجب شده تا اجتماع محلی نسبت به همدیگر تعلق گروهی نداشته باشند و هر بخشی از جامعه به‌صورت سرخود عمل نماید (Efimova and Gapochka, 2019). از دیگر سو باید دقت نمود که احساس تبعیض یا محرومیت نسبی که در جوامع محلی توسعه‌نیافته وجود دارد الگوهای کنش اجتماعی آن‌ها را بیشتر به سمت ایجاد مانع یا ضدیت با برنامه‌های توسعه‌ای سوق می‌دهد می‌کند که به‌صورت مداخله‌ای یا از بیرون وارد شده بر آن‌ها تحمیل می‌شود (Porshahabi, Yaqoubi, Nadrifar, 2017). در بیان سایر موانع اجتماعی-فرهنگی توسعه‌نیافتگی باید گفت اساساً جوامعی که بیشتر بر سنت‌ها متکی هستند مرجع کنش‌هایشان سنت‌ها یا افراد متنفذ هستند که نوعی فرهنگ جمع‌گرایی را بر آن‌ها تحمیل کرده است همین موضوع سبب می‌شود که در این جوامع با کنش‌های اجتماعی هماهنگ مخالف توسعه روبرو شویم؛ به‌عنوان نمونه عدم پذیرش فناوری جدید به‌عنوان تهدید از سوی ریش‌سفید یا بزرگ یک طایفه مانعی بزرگ بر ورود فناوری به منطقه است همین موضوع سبب می‌شود که الگوهای رفتاری ساکنان آن منطقه با نوعی بدبینی به فناوری جدید رشد نماید که درنهایت موجب نهادینه شدن و بازتولید این بدبینی در نسل‌های آینده می‌شود (Spiteri and Brockdorff, 2019, p23). همچنین در این جوامع حقوق زنان به‌عنوان نیمی از قشر جمعیت به رسمیت شناخته نمی‌شود و آزادی‌های فردی مورداحترام نیست از همین رو مشاهده می‌شود زمانی که حتی کمک‌های دولتی برای خانوارهای با سرپرست زن در نظر گرفته می‌شود یک مرد نیز به‌عنوان قیم آن تعیین می‌شود و اساساً این نوعی هماهنگی بین حاکمیت و سنت‌های محلی برای نادیده گرفتن حقوق اقشاری مانند زنان است بنابراین باید دقت نمود در گروه‌های هدف خاصی نظیر مددجویان کمیته امداد یا بهزیستی اساساً ماهیت و نوع کمک‌ها در برخی از موارد می‌تواند الگوهای فرهنگ توسعه‌نیافتگی و وابستگی را تقویت نماید، که برای طرفین دارای کارکردهای اساسی است (Mohammadi, Abolfathi, 2015).

همین وضعیت در یکی از مناطق اصلی خدمات‌رسانی کمیته امداد به‌وضوح مشاهده می‌شود؛ منطقه بشاگرد و بخش‌های از شهرستان میناب و رودان و جاسک که در جنوب شرقی استان هرمزگان جزو مناطقی است که به‌رغم خدمات‌رسانی کمیته امداد از سال ۱۳۶۰ تا به حال و به‌رغم توسعه فیزیکی برخی از اماکن و ایجاد زیرساخت‌ها، همچنان از توسعه‌نیافتگی رنج می‌برند. در جنوب

شرقی استان هرمزگان ۷۰ درصد ساکنین روستانشین هستند و که دچار کمبود شدید منابع و امکانات سنتی مبتنی بر کشاورزی و صید و مشکلات این بخش مواجه هستند به طوری که آمار طلاق در برخی از شهرستان‌های این بخش نزدیک به صفر است (البته در این نقاط دفتر ثبت طلاق وجود ندارد) اما در عین حال بیشترین میزان زنان سرپرست خانوار را دارد و اغلب هم تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) قرار دارند، به طوری که در بشاگرد به عنوان یکی از شهرهای شرق استان ۱۹.۳ درصد از سرپرستان خانوار زنان هستند که بیشترین تعداد در استان است. واقعیت‌های موجود منطقه نشان می‌دهد کم‌آبی، ارتفاع داشتن بشاگرد، سختی دسترسی این شهرستان به شهرهای اطراف، کوهستانی و سخت گذر بودن و تفکرات و فرهنگ حاکم بر این منطقه از دیگر مشکلات اساسی است که موجب شده بشاگرد و مناطق پیرامونی آن در کشور محروم شناخته شود. از منظر جامعه‌شناختی باید گفت بسیاری از کمک‌های کمیته امداد و فعالیت‌های رایگان گروه‌های جهادی و نهادهای مردمی در بشاگرد و مناطق پیرامونی آن (در قالب تغذیه، درمان و ...) باعث شده است که فکر محرومیت و محروم بودن منطقه در ذهن مردم همچنان زنده باشد و به ویژه مددجویان کمیته امداد که اکثریت ساکنان منطقه شرق هرمزگان و به ویژه بشاگرد را تشکیل می‌دهند نوعی وابستگی به کمک‌های دولتی یا سازمان‌های غیردولتی را همچنان دارند و فرهنگ منطقه بیشتر به سمت رکود و پس‌افتادگی رفته است به طوری که ارزش‌های حاکم بر منطقه گویای این موضوع است که مردم محلی و به ویژه مددجویان کمیته امداد دیگر ارزشی برای کمک‌های رایگان قائل نیستند اما به علت وابستگی شدید مجبور به گرفتن آن هستند. از دیگر سو، سنت‌های حاکم بر منطقه نیز تغییر را چندان قبول ندارد؛ به عنوان مثال در منطقه مدارس متعددی احداث شده است اما آموزش تغییرچندانی در الگوهای رفتاری و سنت‌های آن به‌رغم گذشته ۴۳ سال از انقلاب ایجاد نکرده است. نکته مهم این که به نظر می‌رسد مداخلات بیش‌ازحد و بی‌رویه ارگان‌های بیرونی سبب شده که مردم رغبتی به برعهده گرفتن کارهای خود نداشته باشند؛ همین جاست که بررسی موانع فرهنگی-اجتماعی توسعه نیافتگی اهمیت می‌یابد، که چرا به‌رغم تمامی این کمک‌رسانی‌ها، توسعه منطقه، توانمندی ساکنان حاصل نشده است. بر همین اساس پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال است؛ موانع فرهنگی-اجتماعی توسعه نیافتگی با تأکید بر جامعه هدف کمیته امداد در شرق استان هرمزگان کدام است؟

توسعه نیافتگی وضعیت و فرایندی است که موجب رشد کمی تولیدات کالا و خدمات می‌شود و در روند آن پدیده‌هایی نظیر فقر، محرومیت، و بی‌سوادی از بین می‌رود؛ و ضمن حصول استقلال اقتصادی و تقویت بنیه مالی و مادی جامعه، تحقق عدالت اجتماعی، ترقی فرهنگی و علمی-فنی صورت می‌پذیرد. مهم‌ترین شاخص‌های توسعه نیافتگی عبارت‌اند از؛ میزان تولید و درآمد سرانه ملی، سطح رفاه عمومی افراد در جامعه، توسعه نهادهای مدنی و سطح نهادینگی این نهادها در اجتماع و مشارکت در یک نظام جهانی در مقابل، توسعه نیافتگی حالت یا وضع توسعه اقتصادی در یک ناحیه یا کشور است که وسایل ضروری برای رشد اولیه را ندارد و نسبت بالایی از منابع آن باید به کارهای کشاورزی تخصیص یابد. مسئله اساسی در این مرحله از توسعه اقتصادی این است که حد بالایی از سطح قابل دستیابی به مقدار تولید سرانه وجود ندارد (Pourhasan, Ahmadian, Ghorbani, 2017). این محدودیت از این واقعیت برخاسته است که امکانات بالقوه ناشی از علم جدید و منابع، اساساً یا موجود نیستند و یا باقاعده و نظم به کار نمی‌افتند (Porshahabi, Yaqoubi, Nadrifar, 2017). توسعه نیافتگی تنها به معنای فقدان توسعه نیست و نیز پدیده‌ای نیست که زاده درون جامعه توسعه نیافته باشد؛ بلکه در اثر ادغام اقتصادهای طبیعی در روند توسعه سرمایه‌داری در سطح جهانی به وجود آمده است. تبدیل اقتصادهای طبیعی به اقتصادهای توسعه نیافته، در اثر توسعه سرمایه‌داری در مقیاس جهانی است (Dadras, 2015). توسعه نیافتگی در اصل از رخنه شیوه سرمایه‌داری به سود یک اقلیت ممتاز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به درون جوامع ناشی می‌شود که بر اثر نظام‌های اجتماعی کم پیشرفته خویش، زنگ‌زده و فرسوده می‌باشند (Spiteri and Brockdorff, 2019). از مهم‌ترین معیارهای توسعه نیافتگی می‌توان به شاخص جمعیت به زمین، شاخص تولید صنعتی به کل تولید داخلی، کمبود سرمایه به نسبت جمعیت، فقر، است (Raghfar, Fadavi Ardakani, 2014).

اما یکی از اصلی‌ترین مباحثی که در توسعه مطرح است این است که حتی اگر زمینه‌های مادی توسعه برقرار شود لیکن ارزش‌های اجتماعی-اقتصادی و سیاسی مناطق یا جوامع تغییر نکند عملاً توسعه نیافتگی همچنان باقی خواهد ماند. در جوامع پیچیده، عدم

توافق در زمینه ارزش‌ها حالتی بی‌پایان دارد و ارزش‌ها به‌طور مداوم، در حال دگرگونی هستند. تحول ارزش‌ها همچنین بر آداب‌ورسوم و سنت‌ها مؤثر واقع می‌شود؛ گرایش‌ها نیز در واقع آمادگی اقدام و یا رفتار به‌شیوه خاصی و در حقیقت، محرک‌هایی برای اقدامات معین هستند. این گرایش‌ها، وابسته به ارزش‌هایند و هر دوی آن‌ها مبتنی بر اندیشه‌ها و اعتقاداتی می‌باشند که از طریق مشاهده و تعمق در رفتار دیگر مردمان به وجود می‌آیند. از آنجاکه گرایش‌ها و ارزش‌ها از طریق فرهنگ جامعه تعریف می‌شوند، از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت دارند (Yazhong, 2019).

در پژوهش حاضر علل فرهنگی-اجتماعی در توسعه‌نیافتگی (که با عنوان موانع توسعه‌نیافتگی مصطلح هستند) را می‌توان در قالب نظریه‌های مختلفی ارائه کرد که از جمله دیدگاه مک‌کله‌لند، پارسونز، هافستد، لوئیس، شوارتز به عنوان چارچوب نظری پژوهش حاضر بیان می‌شود. مک‌کله‌لند توسعه را در انگیزه‌های فرهنگی-اقتصادی جستجو می‌کند. به عبارت دیگر در جهان سوم فقدان توسعه ناشی از بی‌انگیزگی مردم این کشورها است. از منظر مک‌کله‌لند، نیاز قوی به کسب موفقیت به این امر مربوط می‌شود که چگونه افراد در جهت انجام وظایفشان ترغیب و تشویق می‌شوند. نیاز به موفقیت از منظر مک‌کله‌لند عبارت است از: تمایل به برتری‌طلبی یا توفیق در موقعیت‌هایی که در آن‌ها رقابت وجود دارد (Prithi, 2019). نظریه پارسونز مبتنی بر ارزش‌های اجتماعی و متغیرهای الگوئی است؛ ارزش‌های همراه با کنش، از خارج بر افراد تحمیل نمی‌شود بلکه در مناسبات متقابلشان با جامعه ایجاد می‌شود از این‌رو جا دارد آن‌ها را اجتماعی بنامیم (Yavuz, 2019). پارسونز معتقد است در کشورهای توسعه‌نیافته علت توسعه‌نیافتگی در عاطفی بودن، جهت‌گیری جمعی به رویدادها (جمع‌گرایی)، خاص‌گرایی، مبهم بودن کنش‌های اجتماعی به علت وجود روابط صمیمانه و پتانسیل گسترده خواسته‌ها و چشمداشت‌ها و خصوصیات انتسابی است (Wang, 2012). مبتنی بر کار پارسونز، هافستد جامعه‌شناس هلندی نیز نظریات مشابهی ارائه کرده است مطابق با نظر وی، توسعه‌نیافتگی به علت خصوصیات نظیر جمع‌گرایی، وجود فاصله قدرت، مردخویی، کوتاه‌مدت بودن نگرش‌ها و تردید و دودلی در تصمیم‌گیری است. فرهنگ‌های سنتی، جمع‌گرا هستند؛ فرهنگ‌های جمع‌گرا، به مصلحت کلی گروه بها می‌دهند، زیرا انتظار دارند که افراد تابع علایق و نیازهای فردی خود، برای منفعت گروه باشند. از آنجاکه عضوی از گروه بودن، بسیار مهم است، انتظارات بسیار واضحی از چگونگی رفتار کردن افراد در گروه وجود دارد (Busoi, 2015). لوئیس هم بر نظریه فرهنگ فقر تأکید دارد. به نظر او فرهنگ فقر روشی از زندگی است که ویژگی‌های اصلی و مهم آن شرکت نکردن افراد فقیر در کار مؤسسات عمومی و فرایندهای توسعه به‌عنوان یک عضو جامعه است. این شرکت نکردن امری پیچیده و ناشی از عوامل گوناگون است که از جمله آن‌ها می‌توان نبود منافع و توانایی اقتصادی، جدا نگه داشتن فقرا، تبعیض، ترس، بدگمانی یا بی‌علاقگی و نبود روش‌های ساده و محدود برای حل مسائل و مشکلات محلی را نام برد، یا فردگرایی دهقانان که موردنظر بن فیلد است (Modiri, 2018).

بر طبق مطالعات شوارتز، بُعد محافظه‌کاری به احتمال زیاد در جوامع مبتنی بر روابط هماهنگ و نزدیک بسیار مهم است که در آن منافع شخصی متمایز از منافع گروهی نیست. بُعد محافظه‌کاری ارزش‌های فرهنگی بر حفظ وضع موجود، مراعات آداب و نزاکت و اجتناب از اقداماتی است که ممکن است روابط سنتی را بر هم زند، متمرکز است. (Busoi, 2015). همچنین شوارتز استقلال فکری را از استقلال عاطفی جدا می‌کند. فرهنگ‌های دارای درجه بالایی از استقلال فکری و عاطفی باید به احتمال زیاد برای نهادینه‌سازی ارزش‌ها و هنجارهایی مثل نوآوری، انعطاف‌پذیری، شایستگی، کیفیت، نسبت به فرهنگ‌های کمتر مستقل، موفق باشند (Catherine, 2018). در بُعدی دیگر، از منظر شوارتز، سلسله‌مراتب سنتی می‌تواند مانع توسعه شود؛ این بُعد تأکید بر اتکالی یک جامعه بر سیستم‌های سلسله‌مراتبی از ارزش‌های نسبت داده‌شده برای رفتارهایی که بافت و ساختار جامعه را حفظ می‌کند، دارد. در فرهنگ‌های سلسله‌مراتبی توزیع نابرابر نقش، قدرت و منابع دیده می‌شود. افراد ارزش زیادی برای قدرت اجتماعی، اختیار و تواضع قائل‌اند. (Beugelsdijk, Mariko and Milionis, 2017) بر طبق نظر شوارتز بُعد دیگر، مساوات‌طلبی است که آن‌ها این‌طور تعریف می‌نمایند که مساوات‌طلبی تأکید بر برتری علایق شخصی در حمایت از تعهدات داوطلبانه جهت ارتقای سعادت دیگران. ارزش‌های شاخص بُعد مساوات، عدالت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و صداقت است. بنابراین افراد با فرهنگ تساوی بالا، به‌طور آشکار برای همکاری در اهداف، برانگیخته می‌شوند (Yazhong, 2019). در نهایت شوارتز به بُعد هماهنگی و تسلط اشاره دارد؛

فرهنگ‌های بسیار مسلط، جهت نهادینه‌سازی ارزش‌ها و هنجارها آمادگی دارند. زیرا این‌چنین فرهنگ‌هایی پویایی، رقابت، گرایش به موفقیت و کامیابی را تشویق می‌کنند. (Chimhowu, Hulme, Munri, 2019). مجموعاً بر اساس نظریات ذکر شده باید گفت اغلب نظریه‌پردازان وجود سنت‌های قومی، مقاومت در برابر تغییر، و نبود روحیه ریسک‌پذیری و فردگرایی را از موانع فرهنگی-اجتماعی توسعه‌نیافتگی بیان می‌کنند.

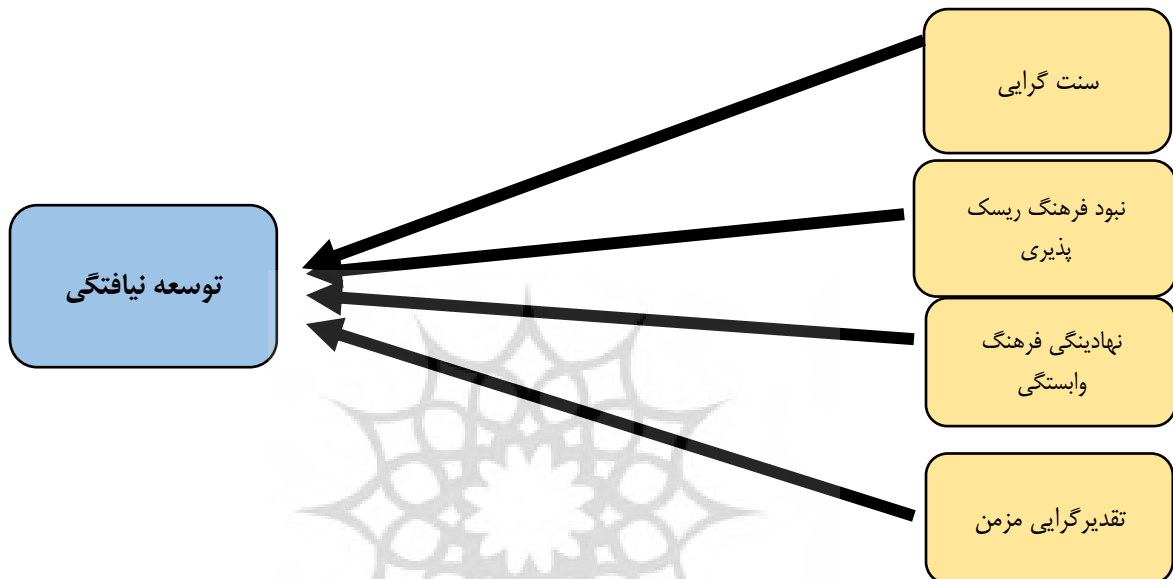
در جدول ۱- مجموعه‌ای از پیشینه‌های مرتبط با موضوع پژوهش به‌طور خلاصه مرور شده است.

جدول ۱. مرور پیشینه‌های تحقیق داخلی و خارجی

ردیف	محقق/محققین/سال	عنوان	نتیجه
۱	Piri, Karampour, Kafashi (2019)	بررسی موانع اجتماعی توسعه‌یافتگی در استان ایلام با روش نظریه زمینه‌ای	مهم‌ترین موانع اجتماعی توسعه‌یافتگی در این استان بافت غالب ایلی و قبیله‌ای، میزان پایین سرمایه اجتماعی، سست شدن روابط اجتماعی و فقدان نظام شایسته‌سالاری می‌باشد.
۲	Hasani, Allahyari, Deshiri (2019)	توسعه‌نیافتگی ناشی از تأخیر فرهنگی برآمده از حاشیه‌نشینی در شهرها	تأخیر فرهنگی و ناسازگاری‌های فرهنگی اثر حاشیه‌نشینی بر توسعه‌نیافتگی را تشدید خواهند کرد.
۳	Didari, Mohseni and Bohrani (2018)	بررسی عوامل مؤثر بر توسعه‌نیافتگی استان کردستان با تأکید بر توسعه فرهنگ	تأثیر ایدئولوژی و ساختار قدرت بر خرده نظام فرهنگی و تأثیر خرده نظام فرهنگی بر خرده نظام‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، علل توسعه‌نیافتگی تبیین شده است.
۴	Ahmadi and Qazvineh (2018)	نقش فرآیندهای تاریخی سیاسی و اجتماعی توسعه‌نیافتگی اقتصادی استان کرمانشاه	آسیب‌های اجتماعی، شبکه‌ها و روابط اجتماعی، جریان مهاجرتی، جامعه‌پذیری اقتصادی و عادت واره اقتصادی، از مهم‌ترین عوامل توسعه‌نیافتگی کرمانشاه است.
۵	Heydarpurklidsar, etal (2017)	واکاوی موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران (عصر پهلوی دوم)	فرهنگ استبدادی حاکم بر جامعه و نظام سیاسی حاکم وقت و مدیریت اقتدارگرایانه پهلوی دوم بر نهادهای مختلف جامعه و سرکوب جامعه مدنی و انحلال احزاب سیاسی و تشکل‌های اجتماعی و فرهنگی منتقد وابسته به طبقه متوسط و قطع جریان روشنفکری پویا و آزاد به‌عنوان مهم‌ترین موانع فرهنگی توسعه سیاسی در آن دوره محسوب می‌شود.
۶	(2020) Kuok Ho	پیش‌بینی و درک موانع توسعه در بین	کمبود سرمایه و نیروی انسانی به‌عنوان مانع اصلی توسعه در سطح فردی تلقی می‌شد. در سطح جامعه، عمده‌ترین موانع دور بودن شهرک‌ها و نبود زیرساخت‌ها و امکانات اساسی می‌باشد.
۷	Xingwu and Chanwoo (2018)	عوامل تعیین‌کننده ایجاد ارزش جامعه اجتماعی: یک مطالعه تجربی اکتشافی	اعتقادات و باورهای اجتماعی مبتنی بر عدم‌تغییر و سنت‌گرایی از جمله موانع توسعه و ایجادکننده ارزش‌های اجتماعی صدتوسعه‌ای است.
۸	Catherine (2018)	بارزه ادامه می‌یابد: صلح و شکوفایی، ارزش‌های دموکراتیک و توسعه در پرچم‌های احزاب سیاسی	موانعی نظیر سنت‌گرایی، قبیله‌گرایی، عدم اعتماد متقابل، تقدیرگرایی و وابستگی به دولت توسعه در این منطقه را با محدودیت‌های جدی مواجه ساخته است.
۹	(2017) Nienu	موانع نهادی برای توسعه در ایالت ناگالند	برتری بخش خدمات، کمک دولت به یک‌پنجم محصول ناخالص داخلی ایالت، کوچک بودن بخش صنعت، ضعیف بودن وابسته بودن زیرساخت‌ها به دولت از موانع مهم توسعه در ایالت ناگالند می‌باشد.
۱۰	(2016) Wheeler	موانع توسعه جامعه در	نهادها، ضعف همبستگی و فقر از موانع مهم توسعه جامعه در کامدن نیوجرسی

بررسی و مقایسه پیشینه‌های تحقیق نشان داد که اغلب موانع فرهنگی-اجتماعی نظیر وجود سنت‌های قومی-سنتی و مذهبی، وجود فرهنگ استبدادی، پابی بودن سرمایه اجتماعی، نبود یا کمبود اعتماد روند توسعه نیافتگی مناطق را باعث شده و تشدید می‌کنند.

مدل مفهومی پژوهش



بر اساس مدل مفهومی پژوهش، بسترهای اجتماعی-فرهنگی شامل ۴ متغیر سنت‌گرایی، نبود فرهنگ ریسک‌پذیری، نهادینگی فرهنگ وابستگی و تقدیرگرایی مزمن است.

بر اساس مدل مفهومی پژوهش فرضیه‌های به شرح زیر ارائه می‌شود:

- ۱- سنت‌گرایی بر توسعه نیافتگی تأثیر دارد.
- ۲- نبود فرهنگ ریسک‌پذیری بر توسعه نیافتگی تأثیر دارد.
- ۳- نهادینگی فرهنگ وابستگی بر توسعه نیافتگی تأثیر دارد.
- ۴- تقدیرگرایی مزمن بر توسعه نیافتگی تأثیر دارد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر به لحاظ روشی از نوع توصیفی-پیمایشی بود، همچنین به لحاظ هدف نیز پژوهش حاضر کاربردی است که درصدد ارائه راه‌حل‌های کاربردی است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه کارمندان و افرادی بودند که در کمیته امداد شاغل بوده در شهرستان‌های میناب و رودان و جاسک و سیریک و بشاگرد با کلیه شرایط منطقه و جامعه هدف دارای آگاهی کامل بوده اند. مجموع خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد در شهرستان‌های ذکر شده، ۴۳,۰۰۳ خانوار هستند که مجموعاً تعداد کل ۱۰۸,۷۱۴ را شامل می‌شوند. که کلیه کارمندان ادارات این شهرستان به عنوان جامعه هدف پژوهش حاضر می‌باشند ۱۹۱ نفر بوده و همچنین بر اساس جدول مرگان ۱۲۳ نفر انتخاب شدند، روش نمونه‌گیری نیز تصادفی ساده بود. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته برگرفته از یافته‌های بخش کیفی بود. پرسشنامه در قالب طیف لیکرت به صورت خیلی زیاد (۵)، زیاد (۴)، متوسط (۳)، کم (۲) و

خیلی کم (۱) نمره‌گذاری شده بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها داده‌های گردآوری شده حاصل از بخش کمی از طریق آمار توصیفی و استنباطی (آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی) و با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS-V23 تحلیل شد. لازم به ذکر است بخش اول پژوهش حاضر (در قالب رساله دکترا) به صورت کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای کیفی انجام شده بود که نتایج مستخرج از بخش کیفی به صورت پرسشنامه تنظیم شد. در ارتباط با منطقه مورد تحقیق که شهرستان بشاگرد و شرق استان هرمزگان است باید گفت شهرستان بشاگرد بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۳۵۰۸۵ نفر (۲ درصد کل جمعیت استان هرمزگان) جمعیت بوده که در شش دهستان گوهران، جکدان، سردشت، گافر، پارامون و درآبسر و ۱۶۲ آبادی سکونت دارند این شهرستان علی‌رغم محدودیت‌های مختلف با متوسط رشد سالانه ۷۳ /۰ درصد در سال شاهد افزایش جمعیت از حدود ۳۲ هزار نفر در سال ۸۵ به ۳۵۰۸۵ نفر در سال ۱۳۹۵ بوده است. از جمعیت ساکن در بشاگرد ۱۷۶۱۳ نفر مرد و ۱۷۴۷۲ نفر زن می‌باشد که در قالب ۹۳۵۹ خانوار زندگی می‌کنند. در پژوهش حاضر به منظور تعیین روایی پرسشنامه از روایی ظاهری، محتوایی و سازه استفاده شد. در روایی ظاهری پرسشنامه‌ها قبل از توزیع توسط پژوهش‌گر، چند نفر از اعضای نمونه و برخی خبرگان دانشگاهی و مسیولین کمیته امداد مورد بررسی قرار گرفت. در روایی محتوایی در قالب یک روش دلفی و با کمک فرم‌های CVI و CVR و به کمک ده نفر از خبرگان شامل اعضای مصاحبه‌شونده، خبرگان دانشگاهی، چند نفر از آزمودنی‌ها و ... محتوای پرسشنامه از نظر سؤال‌های اضافی و یا اصلاح سؤال‌ها مورد بررسی قرار گرفت فرم CVI نشان داد که همه سؤال‌های موانع فرهنگی-اجتماعی از نقطه نظر ساده بودن، واضح بودن و مربوط بودن از وضعیت مناسبی برخوردارند (میزان این ضریب برای هر یک از سؤال‌ها بالاتر از ۰/۷۹ بود)؛ هم چنین با توجه به اینکه مقدار CVR برای همه سؤال‌ها بالای ۰/۶۲ به دست آمد هیچ سؤالی نیاز به حذف شدن نداشت. در مورد روایی سازه نیز از دو نوع روایی همگرا و واگرا با کمک نرم افزار Smart-Pls 3 استفاده شد. در بررسی روایی همگرا یافته‌ها نشان داد ضرایب معناداری تمام بارهای عاملی بزرگ‌تر از ۲/۵۸ بود (آماره تی) یعنی تمامی بارهای عاملی با اطمینان ۹۹ درصد معنادار بود، مقادیر تمام بارهای عاملی نیز بالای ۰/۵ بود (رابطه متغیر آشکار و پنهان)، میانگین واریانس استخراج شده (AVE) همه مؤلفه‌ها بالای ۰/۵ بود و همین‌طور پایایی ترکیبی همه مؤلفه‌ها بزرگ‌تر از میانگین واریانس استخراج شده آن بود؛ لذا می‌توان گفت که روایی همگرایی سازه‌های مدل تأیید می‌شوند. در بررسی روایی واگرا نیز از آزمون فورنل و لارکر (این آزمون روایی واگرا (تشخیصی) را در سطح متغیرهای پنهان با استفاده از ماژولی که در نرم‌افزار Smart-Pls 3 تعریف شده می‌سنجد) و آزمون بار عرض (این آزمون روایی واگرا را در سطح متغیرهای مشاهده‌پذیر توسط ماژولی که در نرم‌افزار Smart-Pls 3 تعریف شده می‌سنجد) استفاده شد. در آزمون فورنل و لارکر یافته‌ها نشان داد جزر میانگین واریانس استخراج شده هر متغیر پنهان بیشتر از حداکثر همبستگی آن متغیر با دیگر متغیرهای پنهان مدل بود هم چنین نتایج آزمون بار عرضی نشان داد، بارهای عاملی هرکدام از متغیرهای پژوهش بیشتر از بارهای عاملی مشاهده‌پذیرهای دیگر مدل‌های اندازه‌گیری موجود در مدل بود و از طرف دیگر بار عاملی هر متغیر مشاهده‌پذیر بر روی متغیر پنهان متناظرش حداقل ۰/۱ بیشتر از بارهای عاملی همان متغیر مشاهده‌پذیر بر متغیرهای پنهان دیگر بود. بنابراین نتایج این دو آزمون بیانگر روایی واگرا بود.

جدول ۲. سؤالات تحقیق بر اساس متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد سؤالات	ضریب آلفای کرونباخ
سنت‌گرایی	۵	۰.۷۵۲
نبود فرهنگ ریسک‌پذیری	۵	۰.۷۳۶
نهادینگی فرهنگ وابستگی	۵	۰.۷۷۹
تقدیرگرایی مزمین	۵	۰.۷۵۵

یافته‌ها

الف- یافته‌های توصیفی: آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها: برای بررسی توزیع نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شده که در آن اگر سطح معنی‌داری برای کلیه متغیرها بزرگتر از ۰.۰۵ باشد توزیع داده‌ها نرمال است؛ در غیر این صورت توزیع داده‌ها غیرنرمال است.

جدول ۳. توصیف متغیرهای تحقیق

متغیر	مقدار Z	سطح معنی‌داری
سنت‌گرایی	۰.۰۹۰	۰.۱۲۵
نبود فرهنگ ریسک‌پذیری	۰.۰۸۶	۰.۸۵۶
نهادینگی فرهنگ وابستگی	۰.۱۱۱	۰.۲۳۶
تقدیرگرایی مزمن	۰.۰۸۵	۰.۳۶۵
سنت‌گرایی	۰.۱۲۵	۰.۵۴۲

همان‌طور که از جدول ۲- مشخص است سطح معنی‌داری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای تمامی متغیرها بیشتر از ۰.۰۵ است بنابراین توزیع کلیه متغیرها و مؤلفه‌های آن‌ها نرمال است. در نتیجه برای بررسی ارتباط بین متغیرها می‌توان از آزمون‌های پارامتریک نظیر رگرسیون استفاده کرد.

ب- آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴- آمده است.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه‌ها

فرضیه	R مقدار ضریب همبستگی	R ² ضریب تعیین	F آزمون تحلیل واریانس	β ضریب رگرسیون	سطح معنی‌داری Sig
۱- سنت‌گرایی بر توسعه‌نیافتگی تأثیر دارد.	۰.۵۰۲	۰.۲۵۲	۱۲۸.۵۱۸	۰.۵۰۲	۰.۰۰۰
۲- نبود فرهنگ ریسک‌پذیری بر توسعه‌نیافتگی تأثیر دارد.	۰.۵۸۲	۰.۳۳۹	195.944	۰.۵۸۲	۰.۰۰۰
۳- نهادینگی فرهنگ وابستگی بر توسعه‌نیافتگی تأثیر دارد.	۰.۳۹۶	۰.۱۵۷	۷۱.۰۳۸	۰.۳۹۶	۰.۰۰۰
۴- تقدیرگرایی مزمن بر توسعه‌نیافتگی تأثیر دارد.	۰.۳۵۵	۰.۱۲۶	98.325	۰.۳۵۵	۰.۰۰۰

نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان داد؛ سطح معنی‌داری فرضیه اول مطلوب و کمتر از ۰.۰۵ است، همچنین مقدار آماره ضریب همبستگی پیرسون نیز مثبت است ($\text{sig}=0.000$ $r=0.502$) بنابراین بین سنت‌گرایی و توسعه‌نیافتگی ارتباط معنی‌دار و مثبت وجود دارد همچنین ۲۵.۲ درصد از تغییرات توسعه‌نیافتگی توسط سنت‌گرایی تبیین می‌شود ($R^2=0.252$). همچنین مقدار ضریب رگرسیون نیز مثبت است ($\beta=0.502$) بنابراین سنت‌گرایی بر توسعه‌نیافتگی تأثیر مثبت دارد.

در فرضیه دوم هم سطح معنی‌داری مطلوب و کمتر از ۰.۰۵ است همچنین مقدار ضریب همبستگی پیرسون نیز مثبت است ($\text{sig}=0.000$ $r=0.582$) بنابراین بین نبود فرهنگ ریسک‌پذیری و توسعه‌نیافتگی رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد همچنین ۳۳.۹ درصد از تغییرات توسعه‌نیافتگی توسط نبود فرهنگ ریسک‌پذیری قابل تبیین است ($R^2=0.339$). همچنین مقدار ضریب رگرسیون نیز مثبت است ($\beta=0.582$) بنابراین نبود فرهنگ ریسک‌پذیری بر توسعه‌نیافتگی تأثیر مثبت دارد.

در فرضیه سوم هم‌سطح معنی‌داری مطلوب و کمتر از ۰.۰۵ است همچنین مقدار ضریب همبستگی پیرسون نیز مثبت است ($\text{sig}=0.000$ $r=0.396$) بنابراین بین نهادینگی فرهنگ وابستگی و توسعه‌نیافتگی رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد همچنین ۱۵.۷ درصد از تغییرات توسعه‌نیافتگی توسط نهادینگی فرهنگ وابستگی قابل تبیین است ($R^2=0.157$). درنهایت، مقدار ضریب رگرسیون نیز مثبت است ($\beta=0.396$) بنابراین نبود نهادینگی فرهنگی وابستگی بر توسعه‌نیافتگی تأثیر مثبت دارد.

در فرضیه چهارم هم‌سطح معنی‌داری مطلوب و کمتر از ۰.۰۵ است همچنین مقدار ضریب همبستگی پیرسون نیز مثبت است ($\text{sig}=0.000$ $r=0.355$) بنابراین بین تقدیرگرایی مزن و توسعه‌نیافتگی رابطه معنی‌دار و مثبت وجود دارد همچنین ۱۲.۶ درصد از تغییرات تقدیرگرایی مزن توسط نهادینگی فرهنگ وابستگی قابل تبیین است ($R^2=0.126$). درنهایت، مقدار ضریب رگرسیون نیز مثبت است ($\beta=0.355$) بنابراین تقدیرگرایی مزن بر توسعه‌نیافتگی تأثیر مثبت دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه توسعه جوامع محلی در توانمندسازی آن‌ها نقش مهمی دارد و همان‌گونه که توسعه متأثر از عوامل مختلفی است توسعه-نیافتگی نیز از عوامل مختلفی متأثر است. علل فرهنگی-اجتماعی از جمله موانعی اصلی توسعه به‌ویژه در مناطق سنتی یا روستایی هستند که همیشه از ابتدای مباحث و نظریه‌های توسعه موردتوجه بوده است. پژوهش حاضر که باهدف بررسی تأثیر بسترهای اجتماعی-فرهنگی بر توسعه نیافتگی جامعه هدف کمیته امداد در شرق استان هرمزگان انجام شد. نتیجه فرضیه اول نشان داد؛ سنت‌گرایی بر توسعه‌نیافتگی تأثیر مثبت دارد. این یافته همسو با یافته‌های همسو و سازگار با Piri, Karampour, Kafashi (2019)، Hasani, Allahyari, Deshiri (2019)، Didari, Mohseni and Bohrani (2018)، Kuok Ho (2020) است. باید گفت اساساً منطقه موردبررسی از قبل از انقلاب دچار فقر و محرومیت اقتصادی و فرهنگی بوده است و همان‌طور که نتایج نشان داد این منطقه بسیار در قالب‌های سنتی و قوم‌محورانه استوار است؛ یعنی تصمیم‌گیری ریش‌سفید و جمعی بر فرد غلبه دارد طبیعی است این موضوع در دریافت کمک‌های مختلف که برای ریش-سفیدان و طوایف ساکن می‌تواند دارای کارکردهای اساسی باشد چه قوم و طایفه و ریش‌سفیدان بر بازتولید دریافت کمک تأثیر مثبت می‌گذارند و این موضوع فرهنگ وابستگی عمیقی را در بین ساکنین بازتولید می‌کند. اگرچه اغلب پاسخگویان به وجود نوعی روستانشینی متمرکز و راه‌های ارتباطی نامناسب نیز اذعان داشته‌اند اما کژ کارکرد اصلی این توسعه‌نیافتگی زیرساختی دورنگهداشتن جامعه محلی از تحولات بیرونی و فناوری است که به نظر می‌رسد همین عامل خود منبع مهمی بر بازتولید فرهنگ سنتی مانع توسعه نیز باشد.

نتیجه فرضیه دوم نشان داد؛ نبود فرهنگ ریسک‌پذیری بر توسعه‌نیافتگی تأثیر مثبت دارد. این یافته همسو با یافته‌های Kuok Ho (2020) است. در این منطقه فرهنگ سنتی-مذهبی جمع‌گرا و بسیار قوی وجود دارد، که این فرهنگ در مقابل تغییر مقاومت می‌کند البته هر نوع مقاومتی چون منافع عده‌ای را تأمین می‌کند بنابراین قابل توجیه است در این منطقه منافع ریش-سفیدان و روسای قبایل و مددجویان کمیته امداد در تداوم دریافت کمک-ها است چون هم ارتباط و حضور دولت وجود دارد هم فرهنگ سنتی-تقدیرگرا نیز حفظ می‌شود بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که این فرهنگ به‌آسانی تغییر نماید همین موضوع سبب می‌شود نوعی بی‌حرکی اجتماعی-اقتصادی حاصل شود و بسیاری از افراد به‌ویژه متخصصان هم به علت فقر اقتصادی و فرهنگی مهاجرت نمایند. مطابق با دیدگاه هافستد فرهنگ‌های جمع‌گرا قدرت ابتکار و نوآوری و تصمیم‌گیری فردی برای توسعه را از بین می‌برند. جغرافیای منطقه نیز بسیار نامناسب به لحاظ راه‌های ارتباطی و صعب‌العبور بودن دارد و این موضوع سرمایه‌گذاری در بسیاری از بخش‌ها را چندان به‌صرفه نمی‌کند در کنار این موضوع نبود خدمات فرهنگی-آموزشی باعث شده سطح تعامل و تساهل ساکنین و مددجویان کاهش یافته و هم‌اکنون که نتایج نشان می‌دهد تراکمی از تضادهای فرهنگی و اختلافات قومی و قبیله‌ای در منطقه وجود داشته باشد که این موضوع بر عدم همکاری و مشارکت‌های محلی نیز خواهد افزود.

شاید از جنبه‌هایی این موضوع باعث شده نوعی فرهنگ عدم ریسک‌پذیری و خوداتکایی نیز نهادینه شود، همان‌طور که شوارتز چنین فرهنگ سلسله‌مراتبی را مانع توسعه می‌بیند. مطابق دیدگاه هافستد در فرهنگ‌های سنتی، چون جمع‌گرایی غالب است سطح

ریسک‌پذیری در بین افراد پایین است و فردیت اشخاص زیر تصمیم‌گیری جمعی و جمع نابود می‌شود این موضوع باعث می‌شود فرهنگی رشد کند که در آن ریسک کردن مذموم شمرده شده و فرد ریسک‌پذیر یا نوآور را مغایر با هنجارهای اجتماعی تصور نمایند. بنابراین، زمینه‌های و بسترهای کل‌گیری موانع فرهنگی-اجتماعی توسعه‌نیافتگی باید به بسترهای روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی، سنت زدگی، و تراکم تضادهای اجتماعی، به همراه بی‌توجهی به بومی‌گرایی و مدیریت اثربخش را باید به‌عنوان یافته‌های مهم این بخش نام برد که بر تشدید توسعه‌نیافتگی تأثیری مستقیم دارند. از دیگر سو زمانی که فرهنگ جامعه بومی ضد نوآوری است طبیعی است ریسک‌پذیری صورت نمی‌گیرد و فرد ریسک‌پذیر دشمن هنجارهای سنتی عمومی تلقی می‌شود. پیامد اصلی این موضوع بی-انگیزگی و رخوت و رکود ذهنی و عملی و عینی و عدم نیاز به موفقیت و تلاش برای رسیدن به آرزوها و پیشرفت شخصی و اجتماعی است. از منظر مک‌کله‌لند، در جهان سوم فقدان توسعه ناشی از بی‌انگیزگی مردم این کشورها است. از منظر مک‌کله‌لند، نیاز قوی به کسب موفقیت به این امر مربوط می‌شود که چگونه افراد در جهت انجام وظایفشان ترغیب و تشویق می‌شوند. نیاز به موفقیت از نظر مک‌کله‌لند عبارت است از: تمایل به برتری‌طلبی یا توفیق در موقعیت‌هایی که در آن‌ها رقابت وجود دارد. در جامعه موردتحقیق به‌واقع سطح نیاز به موفقیت و برتری-طلبی در فعالیت اقتصادی بسیار پایین است و این فرهنگ به همراه برخی از عوامل دیگر نظیر ناامنی منطقه، و نبود فرهنگ استفاده از رسانه‌های نوین و نبود دگرگونی آموزشی و فرهنگی باعث شده ریسک-پذیری برای مددجویان کمیته امداد به‌طور اخص در جامعه مورد مطالعه بسیار هزینه‌زا باشد و باید توجه کرد که چون حمایت مداوم نیز صورت می‌گیرد عملاً ریسک‌پذیری در این گروه هدف حذف می‌شود.

نتیجه فرضیه سوم نشان داد؛ نهادینگی فرهنگ وابستگی بر توسعه‌نیافتگی تأثیر مثبت دارد. این یافته همسو با یافته‌های پژوهش Nienu (2017) و Wheeler (2016) است. در جامعه هدف، بسیاری از برنامه‌ریزی‌های حمایتی در این منطقه بدون توجه به شناخت روحيات و سلايق و فرهنگ مردم صورت گرفته است این موضوع باعث شده اغلب طرح‌های توسعه‌ای به اجرا درآمده اثربخش نبوده یا اساساً اعتبارات بدون نظارت پخش شود این موضوع ایجادکننده الگوهای فرهنگی دریافت خدمات یا حمایت بدون هیچ تحرکی را به دنبال می‌آورد. بر همین اساس، زمانی که شناخت دقیقی از منطقه وجود ندارد ارائه هرگونه اعتبار یا اجرای هر نوع طرح توسعه‌ای می‌تواند با وابستگی و نهادینه‌شدن آن همراه باشد. بسیاری از طرح‌های توسعه‌ای در منطقه بشاگرد به علت نشناختن فرهنگ مردمی صرفاً بازتولیدکننده فقر بوده است و روند فرهنگ وابستگی را تشدید نموده است. همانطور که لوئیس معتقد است در مناطق توسعه‌نیافته فرهنگ فقر به‌انحاء مختلف بازتولید می‌شود و توزیع اعتبارات بدون نظارت و شناخت فرهنگی جامعه صرفاً بازتولیدکننده این فرهنگ است همین موضوع باعث شده است که اغلب دریافت‌کنندگان کمک این منطقه به‌ویژه مددجویان کمیته امداد و حتی سایر ساکنین اغلب در فعالیت‌های اجتماعی-اقتصادی شرکت فعالی نداشته باشند چراکه منافع چندانی را برای شرکت در جامعه متصور نیستند. لوئیس در همین رابطه معتقد است مشخصه اصلی فرهنگ فقر آن شرکت نکردن افراد فقیر در کار مؤسسات عمومی و فرایندهای توسعه به‌عنوان یک عضو جامعه است. این شرکت نکردن امری پیچیده و ناشی از عوامل گوناگون است که از جمله آن‌ها می‌توان نبود منافع و توانایی اقتصادی، جدا نگه‌داشتن فقرا، تبعیض، ترس، بدگمانی یا بی‌علاقگی و نبود روش‌های ساده و محدود برای حل مسائل و مشکلات محلی را نام برد. این موضوع ما را به یافته دیگری سوق می‌دهد که مرتبط با این نظر لوئیس است زمانی که افراد در جامعه محلی به‌رغم کمک‌های نهادهای حمایتی یا دولتی شرکت نمی‌کنند نمی‌توانند به توانمندی‌های خود اطمینان یابند یا اساساً سطح اعتمادبه‌نفس پایینی دارند. در منطقه مورد مطالعه چون اغلب سیاست‌گذاری‌ها بدون نیازسنجی صورت گرفته است و برای نهادی نظیر کمیته امداد صرفاً ارائه نفس کمک بیشتر از هرگونه توانمندسازی مهم بوده است بنابراین مشاهده می‌شود که در سیاست‌گذاری برای این ناحیه نه‌تنها رویکرد بلندمدتی دیده نمی‌شود بلکه بسیاری از نهادهای حمایتی از کمیته امداد، ستاد اجرایی امام یا حتی نهادهای غیردولتی بی‌حساب وارد ارائه کمک شده‌اند و حتی به‌رغم ارائه زیرساخت-های کافی همچنان این فرهنگ وابستگی تشدید شده است. باید گفت از بُعدی دیگری در ارائه کمک یا اجرای طرح‌ها سلیقه‌ای نیز عمل شده است و اغلب ظرفیت‌ها و سرمایه‌های انسانی محلی مورد غفلت و بی‌توجهی عمیقی قرار گرفته‌اند این موضوع باعث می-

شود مردم بومی در حاشیه طرح‌های توسعه‌ای قرار گیرند و اساساً وابستگی به حمایت‌ها به علت کارکردهایی که برایشان دارد به‌عنوان دستاورد تعریف شود.

نتیجه فرضیه چهارم نشان داد تقدیرگرایی مزمن بر توسعه‌نیافتگی تأثیر مثبت دارد. این یافت همسو با یافته‌های Hasani, Allahyari, Deshiri (2019), Didari, Mohseni and Bohrani (2018)، است. با توجه به بافت سنتی و مذهبی و قوم-گرایانه مددجویان منطقه مورد مطالعه الگوهای فرهنگی این افراد به علت زندگی در شرایط سخت به سمت نوعی تقدیرگرایی و سرنوشت‌گرایی حرکت کرده است که در آن تغییری به وجود نخواهد آمد با توجه به انواع حمایت‌هایی که ذکر شد این تقدیرگرایی مزمن نیز به نوبه خود تقویت شده است زندگی در شرایط سخت، سنت‌های مانع تغییر با کمک‌های بدون برنامه‌ریزی شده باعث شده این مددجویان در یک فرایند دور باطالی از توسعه‌نیافتگی بمانند که در آن تغییر امکان‌پذیر نیست و اساساً هرگونه تغییر هم تخلف از هنجارهای سنتی و بومی منطقه قلمداد می‌شود. مجموعاً بر اساس نتایج به‌دست‌آمده باید گفت که در منطقه مورد مطالعه علی‌رغم از بین رفتن طبقه خان، اضمحلال طبقه رئیس پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به تبع آن تضعیف تدریجی نظام کاستی، این نظام و ارزش‌های سنتی و خرافی آن به‌طور ذاتی در اذهان مددجویان کمیته امداد سکنه محدوده وجود دارد. این امر به نوبه خود مانع مهمی در راه ایجاد تحولات جدید اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود. در منطقه مورد مطالعه سطح سواد پایین است که این امر به نوبه خود تشدیدکننده توسعه‌نیافتگی و فقر فرهنگی است. و به‌عنوان محدودیتی برای ایجاد تغییرات اجتماعی و اقتصادی به شمار می‌رود. همچنین در این ناحیه توسعه همه‌جانبه و یکپارچه اتفاق نیفتاده است سازمان‌های نوین اجتماعی چندان وارد محیط زندگی جامعه مورد مطالعه نشده است و سازمان‌های نوین اجتماعی با رویکرد توانمندسازی و ایجاد تحرک اقتصادی در منطقه، به علت دورافتادگی و انزوای جغرافیایی، شرایط خشن طبیعی، کمبود و ضعف شدید راه‌ها و همچنین شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه، گسترش چندان در سطح بخش نیافته‌اند. بر همین اساس پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:

- پیشنهاد می‌شود قبل از هرگونه ارائه اعتبار شناخت مؤثری از فرهنگ و سنت‌های ساکنین و گروه‌های هدف دریافت‌کننده اعتبارات به دست آید سپس بر اساس شناخت، توجیه توزیع اعتبار و نظارت و خروجی مورد انتظار اعتبار توزیع شود.
- پیشنهاد می‌شود اعتبارات دولتی یا نهادهای حمایتی با محوریت توسعه زیرساخت‌های فرهنگی-آموزشی از جمله تأسیس مدارس دخترانه و پسرانه و نیز واحدهای دانشگاهی پیام نور یا علمی-کاربردی ارائه شود.
- پیشنهاد می‌شود برای افزایش تحرک در بازار کار کمیته امداد اقدام به آموزش‌های توانمندسازی به‌جای ارائه کمک‌های مستقیم نماید و این آموزش‌ها با هدف تشکیل تعاونی‌های اقتصادی در زمینه‌های مختلف صورت گیرد.
- پیشنهاد می‌شود به‌منظور جلوگیری از موازی‌کاری در ارائه خدمات و حمایت‌ها یک ستاد فرماندهی یا قرارگاهی به مرکزیت کمیته امداد تشکیل شود که در آن کلیه خدمات آموزشی، کمک‌های نقدی-جنسی به‌صورت هدفمند ارائه شود.
- پیشنهاد می‌شود کمیته امداد با برگزاری دوره‌های آموزشی توانمندسازی با محوریت راه‌اندازی کسب‌وکارهای کوچک و بازاریابی محصولات در فضای مجازی و آشنایی با ظرفیت‌های رسانه‌های اجتماعی در ارائه کالاها مددجویان را به سمت خوداشتغالی و کارآفرینی فردی یا جمعی سوق دهد.
- پیشنهاد می‌شود کلیه طرح‌های توسعه‌ای ابتدا بر اساس نیازسنجی واقعی از مردم بومی-محلی در منطقه مورد تحقیق و با مشارکت آن‌ها طراحی و اجرا شود.
- پیشنهاد می‌شود کلیه طرح‌های توسعه‌ای به‌ویژه در زمینه طرح‌های آموزشی-فرهنگی دارای پیوست فرهنگی-اجتماعی باشند.
- پیشنهاد می‌شود با همکاری کمیته امداد یک مجمع همکاری-مشارکتی از سران طوایف منطقه برای هماهنگی بهتر در توسعه محلی و ارائه کمک‌ها تشکیل گردد.
- پیشنهاد می‌شود کمیته امداد زمینه حضور تشکل‌های غیردولتی توانمندسازی نظیر سمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی در محیط مورد مطالعه را فراهم سازد.

References

- Ahmadi V and Qazvineh Z. (2018). The role of historical, political and social processes in the economic underdevelopment of Kermanshah province, National Conference on Sustainable Development of Kermanshah Province, Kermanshah, Raz University.
- Anderson B. (2010). Indian cultural values and economic development: an exploratory study. *World Journal of Entrepreneurship, Management and Sustainable Development*. 8(2/3):194-201.
- Behuria P. (2019). The domestic political economy of upgrading in global value chains: how politics shapes pathways for upgrading in Rwanda's coffee sector, *Review of International Political Economy*.
- Beugelsdijk S, Mariko J, Milionis P. (2017). Value Diversity and Regional Economic Development. *The Scandinavian Journal of Economics*. 121(1):153-181.
- Busoi S M. (2015). Sustainable Development and the Influence of Social Values A Case Study on Romania. *Procedia Economics and Finance* 26:46-53.
- Catherine E A. (2018). The Struggle Continues: Peace and Prosperity, Democratic Values and Development in Political Party Flags. *Political Symbols and National Identity in Timor-Leste*. 171-201.
- Chien-Hsing, Chien-Hsing & Chuan-Chun Wu. (2019). Determinants of Social Community Value Creation: An Exploratory Empirical Study. *Journal of Information & Knowledge Management*. 18. 1950038. 10.1142/S0219649219500382.
- Chimhowu A O, Hulme, L, Munro T. (2019). The 'New' national development planning and global development goals: Processes and partnerships. *World Development*. 120:76-89.
- Chisadza C. Manoel B. (2019). Economic development and democracy: The modernization hypothesis in sub-Saharan Africa. *The Social Science Journal*. 56 (2):243-254.
- Dadras A. (2015). The role of culture on economic development, the second national conference on development challenges and solutions, Kohnouj, Islamic Azad University, Kohnouj branch.
- Didari Ch, Mohseni R A and Bohrani M H, . (2018). Investigating factors affecting the underdevelopment of Kurdistan province with an emphasis on cultural development, *Social Development and Welfare Planning Quarterly* 10 (37).
- Efimova E, Gapochka A. (2019). Seaports as drivers of regional economic development: The case of Saint Petersburg and Leningrad Province. *Case Studies on Transport Policy*. Available online 17 October 2019. In Press, Corrected Proof What are Corrected Proof articles?
- Hasani V, Allahyari R, Deshiri M. (2019). Underdevelopment caused by cultural delay resulting from marginalization in cities, *Journal of Applied Studies in Management and Development Sciences* 4 (15).
- Heydarpurklidsar M, Vosoghi M, Sarukhani B, Azkia, M. (2017). Analyzing cultural barriers to political development in Iran (second Pahlavi era). *Quarterly Journal of Culture-Communication Studies*, 18(40): 1-32.
- Kuok Ho D T.. (2020). Anticipations for and Perceived Barriers of Development among the Sarawak's Highlanders. *Pertanika Journal of Social Science and Humanities*. 28. 1507-1524.
- Modiri, F. (2018). Different types of family values and their social economic correlates in Tehran. *Applied Sociology*, 29(1): 147-166.
- Mohammadi M K, Abolfathi M. (2015). Pathology of the relationship between political culture and political development in Iran. *Political Science Quarterly*, 11(33): 33-56.

- Nienu Ch. (2017). Institutional Barriers to Development in the State of Nagaland. 10.1007/978-981-10-6274-2_9.
- Piri R, Karampour R, Kafashi M. (2019). Investigating the social barriers to development in Ilam province with the grounded theory method. *Social Development*, 13(3): 163-196.
- Porshahabi V, Yaqoubi N M, Nadrifar A. (2017). The relationship between democracy and human development in India. *Quarterly Journal of Subcontinental Studies*, 9(31): 27-44.
- Pourhasan N, Ahmadian S, Ghorbani V.d (2017). Asian values; Precedence of "development" over "human rights". *Strategic Studies of Public Policy*, 7(22): 39-54.
- Pritish B. (2019). The domestic political economy of upgrading in global value chains: how politics shapes pathways for upgrading in Rwanda's coffee sector, *Review of International Political Economy*.
- Raghfar H, Fadavi Ardakani M. (2014). Analytical framework in development theory: culture, power and inequality. *Review of Iran's Economic Issues*, 1(2): 91-115.
- Spiteri J, Brockdorff P. (2019). Economic development and health outcomes: Evidence from cardiovascular disease mortality in Europe. *Social Science & Medicine*. 24:37-44.
- Wang B. (2012). Social development in market society by intrinsic value account: a case of China", *International Journal of Social Economics*. 39(9):671-689.
- Wheeler C A. (2016). Barriers to community development in distressed cities: A case study of Camden, New Jersey, *Community Development*. 47(4):496-513.
- Yavuz M H. (2019). Understanding Turkish secularism in the 21th century: a contextual roadmap, *Southeast European and Black Sea Studies*, 19(1):55-78.
- Yazhong D. (2019). Construction of ideal model of social development under the political background of mind philosophy. *Cognitive Systems Research*.1-10.

The Effect of Socio-cultural Contexts on the Underdevelopment of the Target Community of the Relief Committee in the East of Hormozgan Province

Ehsan Ahmadi Sarkhuni⁵
Mohammad Ali Chitsaz^{6*}
Nabiullah Ider⁷

Abstract

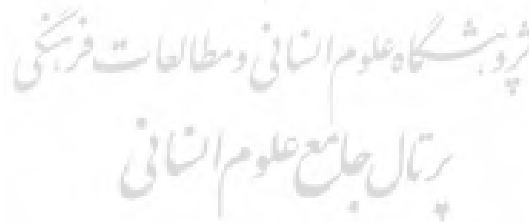
Purpose: The current research was conducted with the aim of investigating the impact of socio-cultural contexts on the underdevelopment of the target community of the Relief Committee in the east of Hormozgan province.

Method: The method of the current research was carried out quantitatively and as a survey. The statistical population was all the clients and people who received support services from the relief committee in the cities of Minab, Rodan, Jask, Sirik and Beshagard. The total number of people working in the East Relief Committee of Hormozgan Province was 191 people, and 123 people were selected by simple random sampling based on the standard table of Mergan. The data collection tool was a questionnaire. The data analysis method was also analyzed by Pearson correlation and linear regression using SPSS-V23 software.

Findings: The results showed; Traditionalism has a positive effect on underdevelopment. Lack of risk-taking culture has a positive effect on underdevelopment. Institutionalization of dependency culture has a positive effect on underdevelopment. Chronic fatalism has a positive effect on underdevelopment.

Conclusion: Based on the findings of the research, it is suggested that the aid committee provide the presence of empowerment non-governmental organizations such as Semans and non-governmental organizations in the studied environment.

Key words: Development, Underdevelopment, Development Values, socio-Cultural Obstacles to Development.



⁵ PhD student, Department of Sociology, Dehafan Branch, Islamic Azad University, Dehagan, Iran.

⁶ Associate Professor, Department of Sociology, Dahafan Branch, Islamic Azad University, Dahagan, Iran (corresponding author). Mad3175@yahoo.com

⁷ Assistant Professor, Department of Sociology, Shushtar Branch, Islamic Azad University, Shushtar, Iran